نگاهی به رویدادهای زندگانی پیامبر اعظم (ص) در ماه محرم

پدید آورنده : نجمه کرمانی ، صفحه 7

مقدمه:

محرم نامی ماندگار در خاطر شیعه است. نامی که با تاریخ شیعه بلکه با تاریخ بشریت از آغازین روز هبوط آدم (ص) بر کویر دنیا گره خورده است. ماهی که حمله قابیلیان، احساس همه یاس ها را به بازی گرفت و طوفانی به پا نمود که خیمه سبز عاطفه را در کام خود کشید. اما دیری نپایید که آفتاب روشن حقیقت همه تاریکیها را در نوردید.

تاریخ محرم پیامبر اعظم (ص) نیز با هجوم قابیلیان فیل سوار آغاز شد و بت پرستان زبون کفر آهنگ ویران ساختن قبله گاه مسلمانان را نمودند. اما چندی نگذشت که دودمانشان بر باد رفت و محرم ماه خون و شمیر نام گرفت و چه با هیبت، خون بر شمشیر، و سنگریزه بر سپاه فیل سوار پیروزی یافت.

حمله اصحاب فیل

اول ماه محرم 53 سال قبل از هجرت، سال عام الفیل

سپاهی خشمگین سوار بر فیل آهنگ خانه کعبه را کرد تا با ویران ساختن آن دلها را متوجه کلیسایی در صنعا کند که ابرهه فرمانده مسیحی این سپاه آن را بنا کرده بود. هجومی سهمگین آغاز شد و سپاه فیل سوار به سوی خانه کعبه هجوم آوردند اما چه زود لشگر خداوند هیبت پوشالی شان را در هم کوبید و از آن سپاه عظیم توده ای از کشته ها چون کاه جویده شده بر جای ماند و خدای کعبه، قبله دلها را از گزند یاغیان نجات بخشید.

اول محرم سال هفتم بعثت

محمد (ص) چهره ای محبوب، مورد اعتماد و بلند آوازه شده بود. نام و شهرت او هر روز عرصه را بر سران قریش تنگ تر می نمود. تا اینکه ایده ای شوم به فکر کفار مکه رسید. نسل کشی پیروان محمد (ص) و نیز ترور شخصیت بهترین راهکار مبارزه بود. از این روی آنان را از مکه بیرون و به شعب ابی طالب راندند. سپس با قبایل مکه هم پیمان شدند که هر گونه خرید و فروش، ارتباط و معاشرت و پیوند خانوادگی با پیامبر اعظم (ص) و پیروان او ممنوع است و هر که بر این پیمان استوار باشد در همه شرایط از او و قبیله اش حمایت به عمل می آید. این معاهده در چنین روزی انعقاد یافت و از این تاریخ، روزگار سختی بر پیامبر اعظم (ص) و مسلمانان آغاز گردید.

غزوه ذات الرقاع

اول محرم سال چهارم هجرت

به پیامبر اعظم (ص) خبر رسید که قبیله «بنی غطفان» و «بنی محارب» که از دشمنان سرسخت اسلام بودند قصد حمله به مدینه را دارند. پیامبر اعظم (ص) به سرعت دستور داد همگان برای مقابله با مشرکان آماده شوند. خود نیز ساز و برگ نظامی خویش را مهیا کرد و لباس رزم پوشید و سوار بر ناقه خویش با چهره ای مصمّم پیشاپیش سپاه اسلام به راه افتاد تا به سرزمین نجد رسید. مشرکان که صف آراسته بودند با صدای تکبیر و خروش مسلمانان وحشت کردند و زمزمه هایی در بین لشگریان کفر به گوش رسید. زانوانشان تزلزل یافت و خاطره شکست های متعددی که کفار از مسلمانان خورده بودند در دلهایشان زنده شد. از این روی جان خویش را برداشته و بدون اینکه درگیر شوند، با فضاحت تمام، پا به فرار گذاشتند.

سریه عبدالله بن انیس

5 محرم سال چهارم هجرت

سفیان بن خالد جنگجویی بنام در بین اعراب منطقه خویش بود. او که خیال کرده بود می تواند با تکیه بر قدرت و شمشیر خود و کمک چند تن از اراذل و اوباش مکه پیامبر اعظم (ص) را شکست دهد و افتخار بزرگی در بین عرب برای خود کسب نماید، در سرزمین عرفه اردو زد و اعلام کرد قصد جنگ با سپاه اسلام را دارد. پیامبر اعظم (ص) یکی از اصحاب خود به نام عبدالله بن انیس انصاری را به همراه تنی چند از مسلمانان به سوی او فرستاد و بین آنان درگیری رخ داد و مسلمانان با پیروزی به مدینه بازگشتند.

آغاز اعلام جهان اسلام

اوایل ماه محرم سال هفتم هجرت

سرزمین حجاز به محلی امن برای مسلمانان تبدیل شده بود و نوبت به صدور اسلام از مرزهای حجاز رسید. پس از اینکه صلح حدیبیه محیط حجاز را به نفع مسلمانان آرام ساخت پیامبر اعظم (ص) در اولین فرصت تصمیم گرفت با سران کشورهای هم جوار مکاتبه کند و آنان را به اسلام دعوت نماید. از این روی، همزمان شش نفر را به سوی شش کشور گسیل داشت؛ عمرو بن امیه را به سوی نجاشی پادشاه حبشه، دحیة بن خلیفه را به سوی هرقل پادشاه روم، عبدالله بن حذافة را به سوی خسرو پرویز پادشاه ایران، حاطب بن ابی بلتعه را به سوی مقوقس پادشاه قبط، شجاع بن وهب را به سوی حارث فرمانروای غسان و سلیط ابن عمر را به سوی هوزه فرمانروای یمامه فرستاد. و این روز نخستین گام در دعوت جهانی پیامبر اعظم (ص) به سوی خداپرستی بود.

سریه عینیة بن حصن

اوایل ماه محرم سال نهم هجرت

پیامبر اعظم (ص) هر از چند گاهی مأمورانی را برای جمع آوری کردن زکات و مالیات های اسلامی به سرزمین های تابعه می فرستاد. پیامبر اعظم (ص) شخصی از صحابه را برای ستاندن زکات قبیله «بنی العنبر» به سوی آنان که در ناحیه «سقیا» سکونت داشتند فرستاد. اما آنان از دادن زکات خودداری کرده و ضروری دین را منکر شدند. ضمن این که به روی مأمور پیامبر اعظم (ص) نیز شمشیر کشیده و قصد جان او را کردند. ایشان چنین مخالفتی را بر نتابید و عینیة بن حصن را مأمور کرد که با همراهی پنجاه سواره نظام به سوی آنان حرکت کند. عینیه به راه افتاد و با آنان درگیر شد. و آنان در نهایت پس از اسارت پنجاه و دو نفر از افرادشان سر تسلیم فرود آوردند و شکست را پذیرفتند.

پی نوشت ها:

1. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ص 121.

2. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 148.

3. وقایع الامام، شیخ عباس قمی، ص 138.

4. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ص 542.

5. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 383.

6. فروغ ابدیت، ص 583.